

گاهی تداعی می‌شود که دستگاه نظارتی با فرد هتاک به تفاهم رسیده‌اند که «روی ریل» نسبت به چهره‌هایی افشاگری کند که از او خواسته می‌شود.
محسن پیرهادی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی؛



محسن پیرهادی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در یادداشتی در روزنامه رسالت نوشته است:

آیا نباید به پرونده پرده‌دران آبرو و اعتبار افراد، عمومی رسیدگی کرد و گزارش آن را به اطلاع عموم رساند؟ چه مصلحتی باعث می‌شود که برخورد سخت و پشیمان‌کننده با چنین مواردی صورت نپذیرد؟

به گزارش اسپادانا خبر، در این یادداشت آمده است:

یک، چندی پیش خبری منتشر شد که گردانندگان چند کانال تلگرامی به دست حفاظت اطلاعات سپاه دستگیر شده‌اند. محتوای این کانال‌ها، افشاگری و انتشار اخبار آغشته به دروغ درباره چهره‌های مختلف کشور است. آن زمان، روزنه‌ای باریک از امید و خوشحالی در دل‌ها باز شد که بالاخره قرار است دستگاه‌های امنیتی ما عرض و آبروی افراد را محترم بدانند و دفاع از آبروی مؤمنان را وظیفه و رسالت خود بدانند هرچند باگذشت زمان و فراموش شدن ماجرا همان روزنه نور امید نیز هر لحظه تاریک‌تر و باریک‌تر می‌شود و وضعیت، همان روال سابق را دارد.

دو، خدشه به آبروی افراد، وقتی به دفعات و علیه افراد متعدد در هر موقعیت و جایگاهی باشد، اقدامی علیه حقوق عامه است و از این رو که جامعه را برای افراد ناامن می‌کند انتظار است که حتی دستگاه قضا منتظر شکایت فرد مورد افترا نماند و دادستانی رأساً به عنوان مدعی‌العموم علیه فرد مفتری و هتاک اقامه دعوا کند حال آنکه نه تنها وضعیت ما چنین نیست بلکه پس از شکایت افراد متعدد در پرونده‌های تهمت و افترا بازهم اقدامی درخور حفظ آبروی شهروندان صورت نمی‌گیرد. بنده‌ی کمترین با افراد بسیاری از این دست روبه رو بوده‌ام. با وجود آنکه این افراد به واسطه جایگاه اجتماعی و سیاسی یا شخصیت فردی، صاحب نفوذ در کشورند اما در برابر اتهامات و دروغ‌پراکنی‌هایی از این دست احساس بی‌پناهی و ابراز ناامیدی برای حل این اتفاقات می‌کنند. این برای دستگاه‌های عریض و طویل نظارتی، امنیتی و قضائی یک فاجعه به تمام معناس است که شهروندان در برابر موج تخریب و توهین سازمان‌یافته احساس بی‌پناهی و تنهایی کنند و قانون به دادشان نرسد. این نکته را هم باید همین‌جا اضافه کرد که واژه «سازمان‌یافته» تحلیل و تفسیری می‌طلبد که این یادداشت گوشه‌ای از اوراق آن را بالا خواهد زد.

سه، شفاف و بی‌پرده باید پرسید، پرونده گردانندگان دستگیر شده کانال‌های هتاک و افشاگر به کجا رسید؟ چرا برخی از آن‌ها آزادانه به فعالیت عادی خود ادامه می‌دهند؟ مگر بر اساس دین ما، حرمت آبروی مومن همچون حرمت نفس و بالاتر از کعبه نیست؟ آیا نباید به پرونده پرده‌دران آبرو و اعتبار افراد عمومی رسیدگی کرد و گزارش آن را به اطلاع عموم رساند؟ چه مصلحتی باعث می‌شود که برخورد سخت و پشیمان‌کننده با چنین مواردی صورت نپذیرد؟ یک مدیر اجرایی، فعال اقتصادی، روزنامه‌نگار و کنشگر اجتماعی باید سال‌ها تلاش کند و بخواند و بنویسد تا ذره‌ذره آبرو و اعتبار جمع کند و چند موجود بی‌اخلاق را ربط و بی‌ربط، یک‌شبه آن را بیرزند و نگران از عواقب آن هم نباشند.

چهار، گاهی حتی پس از بازداشت‌های چندروزه و آزادی پس از آن، این مسئله در ذهن تداعی می‌شود که دستگاه نظارتی مربوطه با فرد هتاک و افشاگر به تفاهم رسیده‌اند و درازای عفو و پشتیبانی از او مطالبه می‌کنند که از این پس هم به کار خود

ادامه دهد، فقط با این تفاوت که پفرموده و «روی ریل» حرکت کند و بر اساس قواعد و نسبت به چهره‌هایی افشاگری کند که از او خواسته می‌شود. نه آقایان! آبروی افراد حتی اگر خطاکار هم باشند، بازیچه دست شما نیست که داخل ریل و خارج از ریل داشته باشد، آبرو همچون خون است که حتی یک قطره از آن حرمت دارد و حفظ حرمت آن، بیش از همه بر عهده دستگاه‌های مسئول است و خودی و غیرخودی و متعلق به کدام جریان نمی‌شناسد.

پنج. «متأسفانه در فضای مجازی کشور ما آن رعایت‌های لازم باوجود آن‌همه تأکیدی که داشته‌ام، صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً رها شده است. باید کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد.» این سخن عیناً از سوی مقام معظم رهبری در سال گذشته بیان شده است. این تأکید را برای کسانی آورده‌ام که خود را مجتهد مسلم می‌دانند و تا از دو لب مبارک رهبری چیزی نشنوند، به اجتهاد خود عمل می‌کنند. بماند که گاهی پس از دستور مؤکد رهبر معظم انقلاب هم باز بر اساس رویه پیشین خود حرکت کرده و تفسیر به رأی می‌کنند. این‌که فضای مجازی رها و به قول ایشان «ول» است یعنی این آبروی من و شماست که بی‌پناه و رها مانده و کسی متولی و مدافع آن نیست.

شش. چند سال پیش و در دادگاه‌های موسوم به استجازه، آبروی شمار زیادی از فعالان اقتصادی کشور ریخته شد که امروز برخی از آن افراد به کلی بی‌گناه شناخته شده و تبرئه گردیده‌اند. آیا کسی برای اعاده حیثیت و جبران خسارت معنوی وارد شده بر زندگی و روح و آبروی این افراد فکری کرده است؟ اگر فکری شده که چرا اقدامی نمی‌بینیم و اگر فکری نشده که هزاران بار آه و افسوس!

هفت. ما رهبر معظم انقلاب را همچون پدر می‌دانیم و در کوران ناملايمات و فشارها به او پناه می‌بریم. اگر نگوییم دستگاه‌های متولی در این زمینه بر سر آبروی افراد اهل مسامحه‌اند یا بدتر از آن‌که خدا کند درست نباشد، امیدوارم پیگیری جدی و قاطع این مسئله از سوی دفتر مقام معظم رهبری بتواند التیام‌بخش و جبران‌کننده باشد.

برچسب‌ها: [1] [مجلس](#)

[2] [حقوق شهروندی](#)

[3] [وزارت اطلاعات](#)

[4] [قوه قضاییه](#)